

مقدمه :

تا به حال افراد زیادی بودند که وقتی با نوع کارم یا زندگیم آشنا می شدند بلافاصله اولین چیزی که به ذهنشان می رسید این سوال بود که " تو چطور این کار رو یاد گرفتی ؟ کلاس رفتی ؟ " و پاسخ من هم در ۹۹ درصد موارد این بود " نه ، من معمولاً کلاس نمی رم خودم یاد گرفتم " و پرسش بعدی مخاطب اینه که چطور خودت یاد گرفتی ؟ من هم می تونم ؟ تو چه مدت میشه یاد بگیرم و به این جایی که تو رسیدی برسم ؟ " امروز وقتی برای شاید صدمین بار این مکالمات بین من و یکی از دوستانم رد و بدل شد ایده نوشتن این مقاله به ذهنم رسید . مثل همیشه اول کمی در اینترنت چرخیدم تا بینم کتاب یا مقاله ای به زبان فارسی با موضوع خودآموزی و مهارت های مرتبط می تونم پیدا کنم یا نه ، که باید بگم تقریباً چیز مناسبی پیدا نکردم و همین جای خالی بیشتر ترغیم کرد تا چیزی رو که سالهاست برای آموزش مداوم خودم ارزش بهره بردم به صورت یک مقاله در بیارم . الان که در مقدمه هستم نمی دونم چند صفحه می تونم بنویسم ولی نکات زیادی تو ذهنم دارم که به رشته تحریر در بیاد .



این مقاله برای چه کسانی است ؟

۱. کسانی که نیاز به آموزش مداوم بدون صرف هزینه های سنگین آموزشی دارند ؛
۲. کارمندانی که دوست دارند مهارت های کاربردی خود را با صرف وقت کمتر و به شکل پیوسته ارتقاء دهند ؛
۳. کسانی که دیگه دوست ندارند منت اطرافیانسون رو بکشند تا چیزی رو به اونها آموزش بدهند ؛
۴. افرادی که مرتب دنبال تنوع در آموزش تازه ترین موضوعات هستند ؛
۵. افرادی که دنبال راه اندازی کسب و کار جدید هستند و نیازمند آموزش در حرفه جدید خود هستند ؛
۶. کسانی که بیکارند ، اما نیاز به شغل نداشته و تنها برای رهایی از افسردگی و تفریح نیاز به یادگیری موضوعات مورد علاقه خود دارند ؛
۷. کسانی که برای آموزش یک موضوع خاص دسترسی به کلاس ندارند ؛
۸. و شاید افرادی دیگر

ابزار خود آموزی :

ابزار همیشه نقش مهمی در پیشبرد هر کاری دارد . برای خود آموزی یا به عبارتی آموزش خود هم ما نیاز به ابزار خاصی داریم که معمولاً در کلاس درس این ابزارها استفاده نمی شوند . ابزارهای خودآموزی قاعدتاً باید جای یک آموزگار یا استاد را برای ما پر کنند . همانطور که انتخاب استاد نقش بسزایی در یادگیری ما دارد انتخاب ابزار خودآموزی نیز تاثیر چشمگیری در آموختن ما دارد .

امروزه با پیشرفت تکنولوژی و سرعت پیشرفت چشمگیر آن خوشبختانه ابزار خودآموزی دستخوش تغییر لحظه به لحظه و به سود خودآموزان می باشد . ابزاری همچون اینترنت ، گوشی های همراه ، کامپیوتر های شخصی و لپ تاپ ، آئیپد ، انواع پلیرهای CD و DVD و ... ، کتاب های الکترونیک ، موتورهای جست و جو ، سیستم های یادگیری آنلاین و این ابزار جدیدالورود نگاه ما را کم کم نسبت به آموزش و یادگیری تغییر می دهد . جهان امروز از دید من جهان آموزش های مداوم است و کسی در این دنیای پر زرق و برق و سریع کارآمدتر است که خود را به روز نگاه دارد و تا جای ممکن بیاموزد و بیاموزد . طبیعتاً هر چقدر اطلاعات ما نسبت به دنیای اطرافمان بیشتر باشد زندگی بهتری خواهیم داشت .

اطلاعات و پیشرفت ؟

مطلع بودن صرفاً به معنای دانشمند شدن ، نخبه بودن یا سعادت‌مند شدن نیست ، هر انسانی در قبال اطلاعاتی که دارد مسئولیت ها و وظایفی هم به دوش خواهد کشید ، در حقیقت اطلاعات بیشتر مساوی است با احساس وظیفه بیشتر . مثلاً صرف دانستن این مساله ساده که ریختن زباله در طبیعت باعث صدمه به کره زمین و تاثیرات تبعی و سوء آن بر زندگی انسان خواهد شد مایه افتخار و سعادت انسان نیست ، بلکه در عمل وقتی سیزده ما در طبیعت به در می شود باید زباله های تولیدی خودمان را با بی تفاوتی رها نکنیم ، ولی اگر به اطرافیان خود نگاه کنید خواهید دید که همین مساله کوچک و ساده که همه هم به خوبی به آن واقف هستند به سادگی به فراموشی سپرده می شود . حال آنکه تنها احساس وظیفه در قبال این اطلاعات که در مغز ما گردآوری می شود ما را از سقوط نجات می دهد که من اسم آن را سطحی بالاتر از دانستن ، یعنی ، " آگاهی " می گذارم . آگاهی یعنی اطلاع داشتن هوشیارانه و بدون غفلت . در دنیای امروز خیلی از بچه ها از پدر و مادر ها و پدربزرگ ها و مادربزرگ های خود اطلاعات گسترده تر و بیشتری را در مغز خود جمع آوری کرده اند اما چه کسی مخالف این موضوع است که گذشتگان ما آسوده تر و آگاه تر می زیسته اند ؟ انسان امروز شاید بسیار عالم تر شده باشد اما آگاهی او نسبت به گذشتگان کمی کمرنگ تر شده است . بگذریم ... شاید جای این مطلب اینجا نبود ، ولی دوست داشتم قبل از شروع داستان خودآموزی از این دیدگاه هم به اطلاعات نگاهی کرده باشیم .

این اطلاعات چه نوع اطلاعاتی هستند ؟ (چک لیست آموزش)

واقعاً ما نیازمند آموزش چه نوع اطلاعاتی هستیم ؟ از خودم شروع می کنم ، من یک کارمند هستم که البته در شرکت خودم استخدام هستم و برای کارفرمایی کار می کنم که خودم هستم . یک زن متاهل که اوقاتی را برای شرکتش کار می کند و اوقات فراغتی هم دارد . گاهی اوقات هم دوست دارد اطلاعات خود را به روز کند و از دنیای خیلی کارها سر در بیاورد . بعضی ساعات دوست دارد در خصوص علاقه مندی هایش مطالعه کند . گستره علایق من خوشبختانه

یا متاسفانه خیلی وسیع است ، تقریباً کمتر چیزی در این جهان هست که به آن علاقه مند نباشم . پس فرصت یادگیری با استاد برآیم خیلی محدود است . من فرصت نشستن در کلاس را حتی هفته ای یک روز هم بطور منظم ندارم چون برنامه کاری مشخصی ندارم . پس باید فکری به حال آموزش خود کنم . پیشنهاد من برای این شرایط اسفناک خودآموزی است .

اطلاعاتی که در زندگی شخص من جاری است می تواند مربوط به کارم باشد :

الکترونیک ، مکانیک ، طراحی سایت ، حسابداری ، تکنیک های برخورد با مشتری و فروشندگی ، تبلیغات و شناخت فضای بازار و مشتری ، کمی جامعه شناسی برای ارتقاء روابط عمومی و ...

برای اوقات فراغتم آموزش های هنری را در نظر گرفته ام ، فعلاً در دو دنیای سرگرم کننده قلاب بافی و نقاشی روی شیشه کمی خلاقیت هنری ام را پرورش داده ام .

برای مطالعات آزاد سعی می کنم بیشتر در خصوص کارم بخوانم . البته انتخاب و به دست آوردن کتاب مناسب خیلی خیلی دشوار است ولی خوشبختانه هر از چندگاهی کتاب مناسبی به دستم می رسد .

خب از همه این ها بگذریم ، من متاهل هستم و باید اطلاعاتی در زمینه خانه داری مثل آشپزی ، تربیت فرزند ، ارتباط با اعضای خانواده و ... هم داشته باشم . مسلماً وقت شرکت در کلاس های آموزش خانواده را هم ندارم .

خب ، تا همین جا کافیه . شما هم یک چک لیست از تمام موضوعاتی که فکر می کنید باید در آنها آموزش ببینید و ارتقاء پیدا کنید تهیه کنید .

دنیای خودآموزی :

برای افرادی که تصور می کنند یادگیری فقط در کلاس درس اتفاق می افتد دنیای خودآموزی (SELF LEARNING) کمی دلهره آور و دور از باور است . در صورتی که دیوارهای دانشگاه و هزینه های آموزش قبل از چشم ها و گوش های ما از بین می روند . متاسفانه خیلی از افراد امروزه به علت نبود آموزش صحیح درباره شغل و رشته دانشگاهی در دبیرستان و صدها دلیل دیگر در انتخاب رشته خود گمراه می شوند و حداقل چهار سال از بهترین سال های عمر خود را در رشته ای که مناسب روحیات آن ها نیست سپری می کنند ، حتی ممکن است نمرات خوبی هم بگیرند اما دست آخر می بینند مهارت خاصی در رشته خود ندارند و پس از فارغ التحصیلی تا مدتی سعی می کنند توانایی ها و شخصیت خود را در چارچوب رشته ای که انتخاب کردند تعریف کنند اما گاهی واقعاً نتیجه بخش نیست . بالاخره بعد از مدتی تغلی به سراغ کاری می روند که به آن علاقه داشتند و یا با بیکاری کنار خواهند آمد .

در امر آموزش ، علاقه یکی از مهمترین عناصر در موفقیت در یادگیری است تا جایی که نمره ۶۰ درصد را به آن می دهم . اگر علاقه وجود داشته باشد انگیزه برای ادامه آموزش و ایجاد فضایی برای استفاده از مهارت های آموزش داده شده خیلی بیشتر خواهد بود .

علايق خود را کشف کنید !

اشتباه نکنید ! علاقه شما در خودآموزی نقش کلیدی را بازی می کند . شما نمی توانید آنچه را که نمی خواهید یاد بگیرید . شاید برای پاس کردن واحدهای درسی بعضی از کلاس های خود را به هر شکلی شده تحمل کنید و برای آوردن حد نصاب نمره پایان ترم یاد هم بگیرید ، اما در خودآموزی چیزی را که به آن علاقه ندارید یاد نمی گیرید . چون خودآموزی به خواسته خود شماست و مدیر آموزش ، استاد کلاس درس ، خود شما هستید . در واقع همه چیز دست شماست و هیچ اجباری در کار نیست .

احساسات نقش مهمی در فرآیند یادگیری دارد . اگر حتی به موضوعی در حد متوسط علاقه مند شده اید به خودتان فرصت بدهید . مهم این است که شروع کنید . از همین امروز برنامه روزانه ای از موضوع مورد علاقه خود طراحی کنید و به خودآموزی بپردازید اگر این موضوع برای شما همچنان خوشایند است و حس می کنید باعث رشد شما می شود ادامه دهید . به قول فرانسوی ها : اشتها با غذا خوردن می آید . پس شروع کنید به خوردن تا اشتهاى شما تحريك شود .

چگونه دیگران به خودآموزان اعتماد می کنند ؟

یکی از مشکلات پیش روی خودآموزان جلب اعتماد دیگران به آموزه ها و مهارت هایشان است . متأسفانه بسیاری از مردم (حتی خواص جامعه از دیدگاه میزان هوش) تنها زمانی که در ازای آموزه ها و مهارت ها مدرک تحصیلی - آموزشی ارائه گردد به فرد اعتماد کرده و کار خود را به او می سپارند . برای رهایی از این مساله چند راه حل وجود دارد که گرچه راه حل های بنیادین و اساسی به شمار نمی آیند ولی به بهبود اوضاع کمک می کند .

۱. ارائه مدارک (certificate) از آزمون های آنلاین مهارت ؛

سایت های زیادی چه به زبان فارسی و سایر زبان ها موجود است که طی یک آزمون آنلاین از یک تخصص مثل تسلط بر برنامه نویسی به زبان html نمره ای به شما اختصاص می دهد و یک گواهینامه رایگان ارائه می کند ، هر چند امکان تقلب در آزمون به سهولت وجود دارد .

۲. شرکت در آزمون های فنی حرفه ای بدون گذراندن کلاس ؛

در برخی آموزشکده ها و برخی رشته ها چنین امکانی صرفاً برای تأییدیه مهارت و اخذ گواهی امکان پذیر است .

۳. ارائه نمونه کار قوی ؛

این دیگر دست خود شماست . ارائه نمونه کارهایی در سطح بالا و قابل قبول می تواند طرف مقابل را به راحتی قانع کند که شما این کاره اید . گاهی وقت ها یک رزومه عالی (منظور نمونه کار قوی است نه لیست فعالیت) بهتر از مدرک تحصیلی - آموزشی کار می کند .

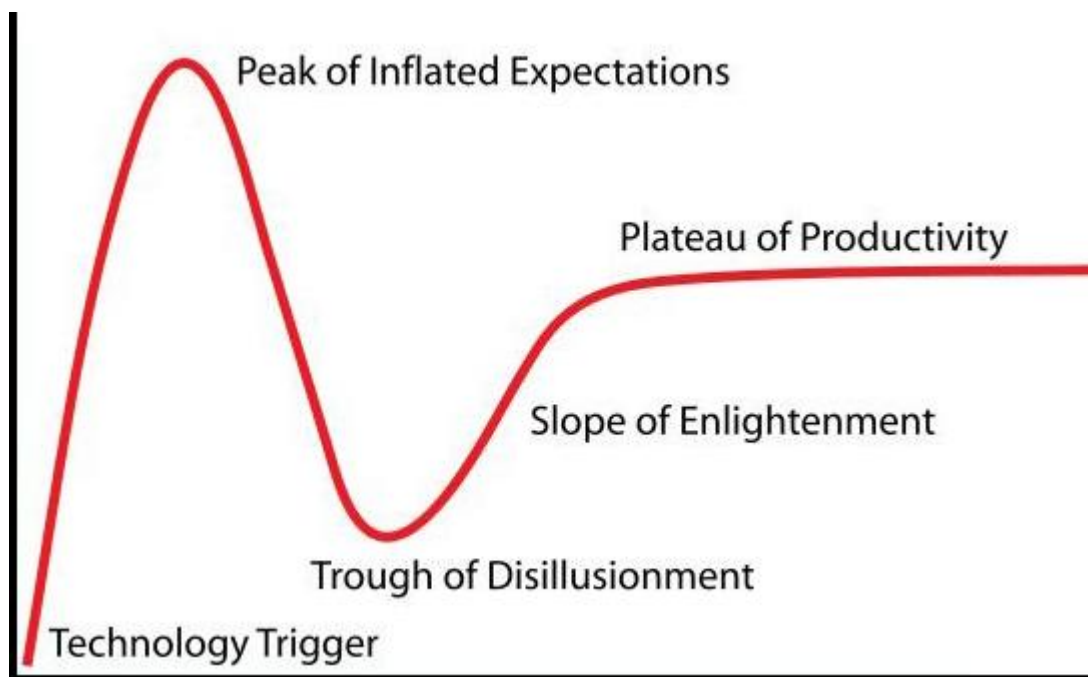
۴. انجام یک کار سفارشی رایگان ؛

از مخاطب خود بخواهید یک کار رایگان به شما سفارش دهد تا نتیجه کار نشانگر میزان توانایی شما به او باشد .

منتظر مشکلات باشید ولی ناامید نشوید !

انتظار نداشته باشید همه چیز را همان ابتدا که به حافظه می سپارید کامل به خاطر بیاورید . به اطلاعات جدیدی که مغزتان دریافت می کند اعتماد کنید . شاید اطلاعات به شیوه سختی به دست آیند و در ابتدا واضح نباشند . صبر کنید تا کم کم واضح تر شود و مثل تکه های پازل انقدر با آن ها بازی کنید که به تصویر صحیحی از اطلاعات دریافتی برسید . مغز در این فرآیند بطور مداوم در حال یادگیری است اما نه براساس برنامه های درسی آموزگار بلکه بر اساس برنامه خود شما . یادگرفتن بعضی چیزها آسان تر است و بعضی موضوعات در ابتدا مشکل به نظر می رسند ، اما شما سعی کنید وقتی به موضوعی رسیدید که در ابتدا مشکل به نظر می رسد صبر کنید و کمی با آن دست و پنجه نرم کنید تا به مطلبی قابل هضم تبدیل شود .

به نظر من ، کسانی که خودآموز هستند از درک شهودی و قدرت تحلیل و کشف بالایی برخوردارند ، چرا که بعد از مدتی دست و پنجه نرم کردن با مسائلی که درکشان کمی دشوار است مغز عادت می کند تا از تنبلی خارج شده و درباره مساله ایجاد شده فکر کند ، وقتی مغز شما بطور پیاپی درگیر حل مسائل متنوعی باشد این الگو را درست مثل یک برنامه ریزی همیشگی در خود حفظ می کند و رفتارش از یک مغز منفعل به یک مغز کاوشگر و تحلیلگر تغییر می یابد . در اینجا یک نمودار که مطابق با توضیحات هست را ارائه می کنم که طبق تحقیقات ، به دست آمده است و سرعت یادگیری را نشان می دهد :



شرح نمودار :

همانطور که در نمودار بالا می بینید ابتدا سرعت یادگیری قابل ملاحظه است و این مساله خوشایند باعث پیشرفت چشمگیر در ابتدای آموزش خواهد شد و علت آن معمولاً وجود مفاهیم اولیه آموزشی در ابتدا ، تکراری بودن بعضی نکات ابتدایی در یک زمینه خاص آموزشی و ساده تر بودن مسائل ابتدای کار ، بالاتر بودن سطح انگیزه و انرژی فرد در گام های نخست آموزش و بالا رفتن حجم اطلاعات در اثر ذوق و شوق یادگیری می باشد .

سپس به یک اوج می رسیم ، اوج یادگیری و امید فرد به یادگیری بیشتر پس از یک مدت .

پس از این اوج با یک فرود تقریباً ناگهانی روبرو می شویم که فرد دچار نوعی یاس و دلسردی خواهد شد و از ادامه فرآیند آموزش برای مدتی باز خواهد ایستاد و فرایند یادگیری به کندترین سرعت ممکن می رسد . رفتار خود آموز در این مرحله نقش مهمی در ارتقاء آموزش فرد دارد ، چرا که پشت پا زدن به ادامه فرآیند در این مرحله بحرانی باعث ورود شخص خودآموز به چرخه فراموشی می گردد و یا یک وقفه طولانی مدت باعث پاک شدن بخش زیادی از آموخته ها از ذهن می شود چون خیلی از اطلاعات بدون اینکه در مغز شفاف و تثبیت شوند در حافظه کوتاه مدت ذخیره شده اند . در این مرحله کم کم میل پیشرفت در یادگیری در خودآموز نزول می کند و عمده ترین دلیل آن فراموشی اطلاعات قبلی و عدم توانایی در ایجاد ارتباط بین اطلاعات جدید و قبلی است . راز حرفه ای شدن در یک زمینه خاص برای یک خودآموز گذراندن موفقیت آمیز این مرحله گذار است . بیشتر افراد تا این مرحله دوام می آورند و به دلیل تنش هایی که در این مرحله برای مغز و روند تفکر اتفاق می افتد کم کم به راحت طلبی روی آورده و دلسرد می شوند و ترجیح می دهند فراموش کنند و به سراغ موضوع دیگری بروند . غالباً فرد حس می کند نیاز مبرمی به استاد دارد تا به او تفهیم کند یا کسی که برایش مسائل غیر قابل درک را توضیح دهد یا نتیجه می گیرد که استعداد کمی در آن زمینه دارد . فرآیند یادگیری رابطه خیلی نزدیکی با احساسات و عواطف فرد دارد ، وقتی شما حس خوبی نسبت به مساله مورد آموزش ندارید نمی توانید به خوبی آن را یاد بگیرید .

به مرحله بعد می رسیم . این مرحله نوبت شفاف سازی و کشف و شهود و نگاه تحلیلی شماست . در این مرحله تفهیم نسبتاً کامل نسبت به موضوعات فراگیری شده صورت می گیرد و کم کم نقاط مبهم مساله روشن می شود و نگرانی های خودآموز راجع به استعداد یادگیری و ... برطرف می شود . همانطور که می بینید شیب این ناحیه کمتر از سایر قسمت های نمودار است و این نشان می دهد که این مرحله ممکن است چندبرابر کل مدت یادگیری اولیه طول بکشد . در واقع شیب کمتر نشانه سرعت کمتر تفهیم و تثبیت مطالب است .

و در مرحله آخر نوبت بهره برداری خودآموز از آموخته هایش است . این مرحله شیب خیلی خیلی کمی دارد و فرد در یک اوضاع پایدار و آرام قرار دارد که می تواند آموخته هایش را برای کار خاصی مورد استفاده قرار دهد .

بیاموزیم و پول در بیاوریم !

وقتی با خیلی ها درباره این موضوعات صحبت می کنم از من می پرسند : تو از چیزهایی که یاد گرفتی پول در آوردی ؟

پاسخ من در اکثر موارد نه است . اما نه بطور ۱۰۰ درصد . وقتی افراد از یادگیری تنها دید مالی داشته باشند کمتر موفق می شوند . فرد خودآموز باید عاشق یادگیری باشد . درست است که نهایتاً همه دوست دارند با آورده مالی خیالشان راحت شود که چیزی که یاد گرفته اند در کارشان تاثیر بسزایی دارد ولی اگر از همان روز اول با این تفکر که من این را یاد بگیرم تا پول در بیاورم و خوشبخت شوم را در سر داشته باشد نه تنها موفق به یادگیری پر بازده نخواهد شد بلکه دچار نوعی استرس می شود که در اثر نگرانی های این چنینی ظاهر شده است : چرا کم یاد می گیریم ؟ چرا چیزی را نمی فهمم ؟ چقدر سخت است ! هنوز به جایی نرسیدم و

آرامش در حین فرآیند یادگیری بسیار حائز اهمیت است . دغدغه های پوچ ذهنی همچون :

کسب پول زیاد از مهارت

کسب اعتبار زیاد و کوتاه مدت

متخصص شدن

حرفه ای اجرا کردن

آرامش شما را سلب می کند . پس خود را رها کنید تا با آرامش بیاموزید . فصل برداشت به زودی فرا خواهد رسید .

واقعاً قرار نیست هر چیزی یاد میگیرید بلافاصله برای شما پول زایی کند . شما نباید انتظار داشته باشید با آموختن هر فن و مهارتی مستقیماً به پول برسید بلکه بیشتر اوقات قرار گرفتن در مسیر مهم است . یعنی چه ؟ منظورم این است خیلی اوقات مسیری که در آن قرار است بیاموزید ممکن است شما را به موضوع دیگری سوق دهد که حتی به ذهنتان هم خطور نکرده بود که روزی در آن عرصه فعالیت کنید . آموزش دیدن شما را نسبت به پدیده های اطراف عوض می کند . یک مثال می زنم تا با مصداقی که از آموزش می آورم کاملاً مجاب شوید که ارزش اطلاعات تا چه میزان است ؟

ارزش اطلاعات و یادگیری :

آیا تا به حال به این فکر کرده اید که چرا سازمان هایی مثل ناسا سالانه میلیاردها دلار خرج می کنند تا فقط بفهمند خاک مریخ از چه موادی تشکیل شده یا سطح ماه چقدر چاله چوله دارد و یا زهره چند قمر دارد ! آیا به نظر شما این همه هزینه در شرایط اقتصادی امروز دنیا معقول است ؟ وقتی با این میلیاردها دلار هزینه می توان هزاران شغل ایجاد کرد و میلیون ها نفر را سیر کرد واقعاً چه لزومی برای این همه هزینه وجود دارد ؟

کمی بیندیشید ! خب اگر مسئولین ناسا هم مثل شما فکر می کردند که از هر چیزی بطور مستقیم به ثروت برسند هیچ وقت گوشی همراه شما در جیبتان نبود و هنوز مجبور بودید با شماره گیرهای گردشی تلفن های قدیمی به تلفنچی وصل شوید تا شماره محل مورد نظر را برایتان بگیرد . حتماً می پرسید چه ربطی دارد ؟ اگر بشر قرن ۲۰ و ۲۱ هیچگاه در آرزوی رسیدن به کهکشان های دوردست و قدم نهادن بر روی کره ماه نبود قاعدتاً فن آوری تا اینجایی که امروز رسیده پیشرفت نمی کرد . امروز شما به راحتی قادر هستید با کیفیت ترین تصاویر آنلاین را از طریق ماهواره های فضایی مشاهده کنید و در عین حال از اینترنت بی سیم هم استفاده می کنید ، اگر پول کافی داشته باشید می توانید ماه عسل به مریخ نوردی بروید و در عین حال تلویزیون LED ۴۰ اینچ سینمای خانوادگی خود را که قطر بدنه اش تنها ۲ سانت یا کمتر است تماشا می کنید .

بله ، دست آورد آن همه هزینه ، این همه تکنولوژی و راحتی کار شماست . اگر آن همه هزینه نمی شد امروز نمی توانستید مقاله من را از اینترنت و در کامپیوتر شخصی خود دانلود کرده و بخوانید !

اطلاعات و نسل آینده :

کمی ملموس تر حرف می زنم . راجع به ایران خودمان . اگر دقت کنید می بینید بچه های نسل دهه های ۶۰ و ۷۰ اختلاف فاحشی از نظر طرز فکر و عقیده با والدین خود دارند و به ترتیب هر چه به نسل های گذشته نگاه کنیم می بینیم پدرها و مادرهای ما رابطه بهتری با والدین خود داشتند و هر چه رو به جلو می رویم از صمیمیت و درک متقابل این رابطه کاسته می شود . دلیل عمده این اتفاق فرآیند یادگیری است . البته این یک نظریه اجتماعی است و نظر شخص من است . به نظر من کامپیوتر و سایر ابزارهای جدید ارتباطی نقش بسزایی در ایجاد شکاف نسلی اخیر داشته اند . چرا که فرزندان دهه ۶۰ و ۷۰ به مراتب از نظر ارتباط با تکنولوژی ، به روز شدن اطلاعات همچون اخبار ، مهارت های فنی ، مهارت های روزمره ، دانش کاربردی و ... جلوتر از پدران و مادرانشان هستند . در صورتیکه در دهه ۴۰ تا ۶۰ به سختی می توان انتظار وجود یک کامپیوتر یا حتی قبل تر یک تلویزیون در خانه های مردم را داشت و طبیعتاً سطح اطلاعات و میزان دسترسی به آنها برای کل اعضای خانواده تقریباً یکسان بود . اما امروز وقتی فرزندان والدینشان را می بینند که خیلی از نظر اطلاعات از آنها عقب تر هستند حس می کنند باید تبعیت کمتری از آنها داشته و به سراغ هم صنف های خود بروند تا چیزی برای گفتن داشته باشند .

داشتن اطلاعات در تربیت فرزند و ایجاد ارتباط با او بسیار موثر است و همچنان که اتفاقی که در دهه ۸۰ و ۹۰ می افتد فرآیند ایجاد شکاف نسلی در اثر میزان اطلاعات طرفین (والد و فرزند) به تدریج معکوس (کمتر) می شود تا شاید دوباره در دهه های بعدی شاهد بروز یک رنسانس در تاریخ علم و تکنولوژی مشابه حضور کامپیوترهای شخصی در خانه ها و بین خانواده ها باشیم .

خودآموزی مخصوص علوم بین رشته ای :

حالا قصد دارم تخصصی تر به خودآموزی نگاه کنم ، اگر در یک فن و رشته خاص به تحصیل دانش و مهارت می پردازید باید بدانید خودآموزی در علوم بین رشته ای جذاب تر ، شیرین تر و سریع تر است . جذابیت این امر به چند دلیل است :

۱. آموختن در یک حوزه در این علوم باعث ایجاد ارتباط بین آموخته های حوزه های دیگر در همان علوم شده و ایجاد ارتباط بین آموخته ها موجب ایجاد اعتماد به نفس و انگیزه برای یادگیری بیشتر می گردد و در واقع ایجاد پیوند بین آموخته ها نوعی حس به کاربرده شدن و مفید بودن اطلاعات را به ما منتقل می کند .

۲. تنوع ؛ تنوع در زمینه های آموزشی انسان را بیشتر ترغیب می کند تا بیشتر بیاموزد .

۳. گسترده گی ؛ گستردگی و وسعت دانش باعث ایجاد رابطه با افرادی در چندین حوزه کاری و فنی خواهد شد و افزایش ارتباطات در دنیای امروز یکی از رموز موفقیت شغلی است .

۴. سرعت آموزش نیز بیشتر به علت پیوند خوردن زمینه های مختلف و کاهش تعداد مجهولات نسبت به معلومات ذهن اتفاق می افتد . مثلاً اگر شما فقط در رشته فیزیک بیاموزید ممکن است یک مساله فیزیک ۱۰ مجهول داشته باشد (منظورم معادلات ریاضی نیست بلکه سوالات ذهن شماسست) و آن ۱۰ مجهول به سختی با گذر زمان و افزایش دانش شما حل شوند اما اگر هم در فیزیک و هم در شیمی فعالیت داشته باشید و یک مساله شیمی-فیزیکی با ۱۰ مجهول داشته باشید آنگاه با سرعت بیشتری از دو جنبه فیزیک و شیمی معلومات حاصل می شوند .

هدف نیازمندی های شما را تعیین میکند .

برخی افراد هنوز سردرگم اند و هدف خاصی ندارند برای همین وقتی تصمیم به آموزش می گیرند نمی دانند چه چیز را چگونه و در چه زمانی فرا گیرند . آنها صرفاً به این علت که از بیکاری و حس بیهودگی رنج می برند احساس نیاز به آموختن دارند . درست است که دوره های بازآموزی در کاهش افسردگی تاثیر زیادی دارد اما باید این راهم فراموش نکنیم که بدون هدف آموختن ممکن است عواقب ناخوشایندی داشته باشد که افسردگی ما را صد چندان کند . تصور کنید بدون هیچ برنامه ای شروع به آموزش کنید و بعد از یک سال آموزش شما تمام شود و ناگهان ببینید ای وای هنوز در جایگاهی که یک سال قبل بودم قرار دارم و دوباره احساس بیهودگی بیشتر به سراغتان بیاید چون این بار با اطلاعات بیشتر از بیکاری رنج می برید ، در این وضعیت چه صدماتی به ذهن شما وارد خواهد شد . پس حتماً برنامه ریزی کنید ، ممکن است همه چیز طبق برنامه شما پیش نرود اما شما باید خوشحال باشید که یک برنامه ریخته اید و گاهی باید در برنامه خود در طول مسیر تغییراتی بدهید . اگر یک چشم انداز برای آینده خود داشته باشید به سادگی خواهید فهمید که به آموزش در چه زمینه هایی نیاز دارید . دقیقاً مثل مواد اولیه آشپزی ؛ تا زمانیکه ندانید چه غذایی قرار است سر سفره شما باشد نمی دانید به چه موادی برای تهیه اش نیاز پیدا می کنید .



موخره : این حرف ها پاسخ سوالات افراد زیادی است که به دنبال آموختن و پیشرفت بودند و مدت ها با همفکری دیگران در مورد آن ها تامل شده است . اگر از جنبه محتوایی نظری داشتید باعث خرسندی ماست که از آن ها مطلع شویم .